

تفکرات فلسفی اعلیحضرت و اعتبار آن

(۲)

امیر فیض- حقوقدان

مقدمه سوالات مصاحبه آقای خلجی با اعلیحضرت کپی مصاحبه آقای احمد احرار در سال ۲۰۰۰ است که با اعلیحضرت انجام وبصورت کتابی تحت عنوان «گذشته و آینده» منتشر شده است.

باین تفاوت که اعلیحضرت به سوالات مزبور در سال ۲۰۰۰ مفصل و مشروح جواب دادند و در این مصاحبه به فرض آنکه شنوندگان از تکراری بودن سوالات آگاه هستند جواب بسیار کوتاهی داده اند.

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی



سوال دومی که با اعلیحضرت در میان گذاشته شد و حائز اهمیت خاصی در ارتباط با طرح هنری پرشت است چنین است:

شما در سال ۱۹۸۰ سوگند خوردید بعنوان ولیعهد و اکنون میفرمائید شکل حکومت برای من مطرح نیست (در اینوقت اعلیحضرت کلام سوال کننده راقطع) و میفرمایند:

<آنوقت هم نبود>.

پاسخ اعلیحضرت به سوال مزبور را همه میدانیم و بکرات مطرح شده؛ و مفصل و صورت اصلی آن هم در مصاحبه احمد احرار است، و مختصر و فشرده آن این است که چون در آن زمان مردم به سلطنت پشت کرده بودند من خواستم بگویم که سلطنت به آنها پشت نکرده است؛ **خوب در آن تاریخ تصمیم دیگری گرفته شده بود. (۱)**

من در ۳۹ سال پیش گفتم که اختیار تصاحب این میراث رابه مردم واگذار میکنم، اکنون معیار برای ما آزادی است نه پادشاهی.

اهمیت فراز بالا

حقیقت آنکه آن چیزی که مراتشویق به تنظیم این تحریر و ورود به تفکرات سیاسی اعلیحضرت ساخت همین جمله پربار اعلیحضرت است که فرمودند **«خوب در آن تاریخ تصمیم دیگری گرفته شده بود».**

دستآورد این اقرار تاریخی اعلیحضرت

(۱) **مقصود از آن تاریخ** در بیان اعلیحضرت، نهم آبان سال ۵۹ است که اعلیحضرت در روز و تاریخ معینی که قانون اساسی مقرر کرده بود به تکلیف قانونی خود که اعلام تصدی سلطنت است عمل کردند.

***** تصمیم دیگری گرفته شده بود،** این جمله توجه موضوع به سوم شخص است یعنی تصمیمی بوه است که کسی غیر از اعلیحضرت و دوم شخص که قانون اساسی مشروطه ایران است اتخاذ کرده است؛ سوال واقع بینانه این است که این سوم شخص که با مداخله و تصمیم خود جریان دیگری را بوجود آورد و مورد تصدیق اعلیحضرت هم هست چیست؟

◀ مهم دیگر اینکه این کدام تصمیمی بوده است که توانسته تصمیم قانونی و نمادین اعلیحضرت را در طول سالها دگرگون سازد و بالاخره این دگرگونی که اعلیحضرت را از سوگند نهم آبان سال ۵۹ جدا ساخته است کدام است و مرکز قدرت در کجا قابل شناسایی است؟

پاسخ بر سش های بالا

پاسخ پرسشها و ابهامات بالا که مورد توجه این تحریر است، از قبل از اتیان سوگند نهم آبان معلوم بوده است زیرا جریان آن وجود داشته وحد اقل اعلیحضرت از آن آگاه بوده اند؛ ولی سیر اجرائی آن بملاحظات که از جمله مهم آن، تعدی آشکار به حقوق ملی یک کشور و نادیده گرفتن سیاست کلی آمریکا و اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده است بصورت علنی در نیامد و اجرای آن به تحولات روز و دستکاری های سیاسی برای زمینه سازی آن محول شده است.

آگاهی اعلیحضرت و اشراف به موضوع

چند روزی مانده به نهم آبان سال ۵۹ خبرنگار روزنامه پاری ماچ بنام <ژان دزونوا> در مصاحبه ای نسبتاً مفصل از اعلیحضرت سوال کرده است:

> بر اساس گزارشها قرار است روز ۳۱ اکتبر روزی که شما به سن قانونی میرسید از طریق دفتر خود پیامی برای ملت ایران بفرستید اگر قدرتهای بزرگ (۱) از طریق پرزیدنت سادات از شما بخواهند که از ارسال این پیام خودداری کنید چه خواهید کرد؟

پاسخ اعلیحضرت که بسیار با اهمیت است این است:

روز نهم آبان ۱۳۵۹ بر اساس تقویم ایرانی من بر اساس قانون اساسی ایران جانشین پدرم خواهم شد این یک اصل قانونی است که هیچکس نمیتواند آنرا تغییر بدهد.

حاشیه = واژه هیچکس، در کلام اعلیحضرت عام است و شمول آن بر همه بدون استثنا جاری است بنا بر این اظهارات بعدی اعلیحضرت درباره سلطنت از باب همه پرسى ویا مسائل دیگر در مقابل فلسفه مورد تائید اعلیحضرت، که از فرهنگ ملی و سیاسی ملت ما نشئت میگیرد پوچ و غیر قابل تفکر است (پایان حاشیه) (مشروح مصاحبه درسنگر شماره ۵۳)

دستاورد این بحث داخلی این است که اعلیحضرت از قبل از اتیان سوگند به سیاست آمریکا در توقف تداوم سلطنت ایران آگاه بوده اند، ولی به آن اهمیت نداده اند و تکلیف مقرر در قانون اساسی مشروطیت را مقدم بر خواست و اراده کشورها ویا حتی برخی از مردم ایران دانسته اند.

عکس العمل خارجیان نسبت به سوگند اعلیحضرت

در مصاحبه آقای حسین مهری با اعلیحضرت این سوال مطرح شده است که آیا قدرتها از جمله آمریکا و یا نمایندگان دولت آمریکا باشما تماس گرفته اند و خط و رهنمونهای بشما داده باشند مثلاً در این باب سخن نگویند و یار هبری نکنید؟

اعلیحضرت پاسخ میفرمایند:

>من هرگز به این مسئله که دست دولتی هست یا نه اهمیتی نداده ام هرچه باشد یادتان باشد زمانی که در قاهره دوسه ماه بعد از درگذشت پدرم آن زمانی که حتی نزدیک ترین آدمها به سمت قاهره جرات نداشت بیاید من نه به خاطر علاقمندی بلکه بخاطر نگرانی ها در بحبوحه آن وضعیت آمده و اعلام مسئولیت کردم>؛ البته قرار بود که آن مراسم از طریق ماهواره پخش شود که لحظه آخر جلوی پخش را گرفتند. (مشروح درسنگر ۱۵ اسفند سال ۷۹)

آری؛ وزارت خارجه آمریکا اگر نتوانست جلوی اتیان سوگند پادشاهی اعلیحضرت را سد کند توانست جلوی پخش آنرا از طریق ماهواره بگیرد، آنهم در لحظه آخر.

آیا انور سادات سرخود و یا جمهوری اسلامی توانست از پخش آن مراسم جلوگیری کند و یا دستگاه اطلاعاتی پر قدرت و با نفوذ آمریکا آن کار را کرد، آیا مامورین اطلاعاتی یک کشور میتوانند سرخود به چنان کاری دست بزنند یا باید دستورالعمل وزارت خارجه آمریکا را داشته باشند؛ یعنی طرح هنرپرست!؟

به این مورد هم توجه فرمائید

در مصاحبه اخیر بیژن فرهودی با اعلیحضرت؛ این سوال از اعلیحضرت مطرح شد که چرا شما همیشه از رهبری کناره گیری میکنید چرا نمیخواهید مانند رضاشاه خودتان را در موقعیت رهبری قرار دهید؟

اعلیحضرت پاسخ میفرمایند > رضاشاه در آمریکا زندگی نمیکرد.

مفهوم پاسخ اعلیحضرت متحول در معناست؛ آیا اقامت در آمریکا مانع رهبری اعلیحضرت است؟ البته که خیر زیرا بسیاری از رهبران مخالفان دولتها در آمریکا زندگی میکنند (ترکیه) حتی رهبران مخالف جمهوری اسلامی هم در آمریکا مقیم و تابع آن کشور هستند ولی یک تفاوت وجود دارد رهبری اعلیحضرت بر میگردد به موقعیت قانونی و مقام سلطنت ایشان و این همان چیزی است که در طرح هنری پرست ممنوع شده است.

معنای دیگری که از تحول آن عبارت اعلیحضرت مقابل ماقرار دارد این است که رضاشاه در گروگان آمریکا نبود که من هستم.

حاشیه- حقیقت تاریخ این است که رضاشاه هم از وقتی که در شهریور ۲۰ در گروگان انگلیسیها قرار گرفت و به جزیره موریس اعزام شد؛ دیگر موقعیت حتی هدایت و تماس با ایرانیان هم از او سلب شد. (پایان حاشیه)

مخالفت آمریکا و انگلیس با سلطنت در ایران

حقیقت تاریخی این است که اعلیحضرت از ۶ ماه قبل از شورش آمریکائی ۵۷ درگروگان آمریکا بوده است و حقیقت دیگر اینکه اساساً آمریکا با هدایت انگلیسی ها با استقرار سلطنت ایران بطورکلی مخالف بوده است (اسناد خارج شده از آرشیو آمریکا) و مدام بفکر کودتا و تبدیل کشور به جمهوری بوده است و در سال ۵۷ هماهنگی سیاسی آمریکا و انگلیس در مخالفت با تداوم سلطنت فرصتی بوده است که مخالفت پنهانی آنها بصورت رسمی و طرح هنری پرشت در آید که آمد.

قدرت اجرائی طرح هنری پرشت

برداشت تحقیقی نشان میدهد که اعلیحضرت از شدت وحدت طرح هنری پرشت آگاه نبوده اند و بعبارت دیگر با آنکه از تصمیم وزارت امور خارجه آمریکا آگاه بوده اند ولی ارزیابی درستی از آن نداشته اند؛ که به خبرنگار پاری ماچ فرموده اند هیچکس نمیتواند آنرا تغییر دهد (مقصود انتقال سلطنت از شاهنشاه به ولیعهد است).

باز دامنه تحقیق نشان میدهد که اشتباه ارزیابی اعلیحضرت، متوجه دیدگاه های ایشان به قدرت سیاسی و اجرایی وزارت امور خارجه آمریکا نبود بلکه در ارزیابی وفاداری ایرانیان به تداوم سلطنت و قانون اساسی بود که حتی امرای ارتش شاهنشاهی که در خارج از کشور بودند و یا شخصیت های سیاسی کوچکترین قدمی در حمایت از سوگند ایشان برنداشتند، و ولیعهد جوان را با آن روزگار سخت تنها رهاش کردند؛ لازم نیست برای اثبات این ننگ و ذلت تاریخی به گذشته رجوع شود (به تحریرات قبل رجوع شود).

همین روزها با آنکه آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده است، و با آنکه مردم ایران اعلیحضرت را صدا میکنند مع هذا ایرانیان خارج از کشور و حتی شخصیت های سیاسی ایام شاهنشاه و فرستنده های رسانه ای خارج از کشور حتی حاضر به نام بری از طرح هنری پرشت و تحریمات سیاسی تحمیلی علیه اعلیحضرت نیستند؛ کاش در همین حد بود؛ به برنامه امید دانا و اقدامات آن ۵۰ تن که ننگ تاریخ و هویت ملی ما ایرانیان است نگاه کنید.

آنجا که اعلیحضرت میفرمایند <من وظیفه خودم را انجام دادم و اگر پیشرفتی نشده مربوط به مردم است>. (مصاحبه با فرهودی)

مفهومش همین است که ایشان در موقع معین تاریخی و قانونی وظیفه خودشان که قبول سلطنت و مسئولیت است را اعلام فرمودند و این ما مردم بودیم و هستیم که نتوانستیم و یا نخواستیم ایشانرا در مقابل مخالفت وزارت خارجه آمریکا حراست کنیم و ایشان ناچار به عقب نشینی شدند.

محکومیت ما

هر مورخی در آینده فعالیت ایرانیان خارج از کشور که عمداً مخالف جمهوری اسلامی هستند را مورد نقد قرار دهد بدون شک با ناباوری نمیتواند به فصل کوتاهی و بی توجهی به تحریم تحمیلی وزارت خارجه آمریکا بر اعلیحضرت کم توجه باشد و لاجرم ناچار خواهد بود کوتاهی ما ایرانیان را در اقدام لازم برای پایان دادن به این محرومیت به حساب عدم لیاقت و یا نوکری آمریکا آنهم بمناسبت اقامت در آمریکا منظور دارد.

شرم از خود

بمناسبت تنظیم این تحریر لازم شد به متن سوگند نهم آبان اعلیحضرت رجوع کنم در آن رجوع که تصویر اعلیحضرت در اتیان سوگند دیده میشد برای اولین بار درخودم احساس شرم و ذلت کردم که در تصویر، جوانی به سن ۲۰ سال با نا آرامی روحی و جسمی و تواضع و توکل به خدا و ایرانیان در آن زمان خوفناک از همه قشرها درخواست حمایت و کمک میکند و با اخلاص تمام مسئولیت تاریخی و قانونی خود را پذیرا میگردد و درکمال تاسف با چنان بی توجهی و عدم لبیک ما ایرانیان روبرو شدند.

ناتمام است این مقوله